

قیمت: قبلاً حساب شده:

شیخی، اقتصاددان و استاد دانشگاه:

هدف غرب از مکانیسم ماشه استفاده تبلیغاتی،
فشار سیاسی و ترساندن مردم ایران است.



کارتون: محمدعلی رحیمی

کلیک / صفحه ۸

ماهی مرده
در مترو!

گیر کن / صفحه ۴

کومولونیسمبوس!
کجایی؟

میشه ایچور بره؟! / صفحه ۲

شوخی با سفره
ممنوع شد!

من هدیه تهرانی نیستم!

- سلام هدیه!
- سلام کادو!
- هدیه! من خیلی به تو علاقه مندم! با من ازدواج می کنی؟!
- کادو! فکر کنم من رو با کس دیگه ای اشتباه گرفتی!
- مگه تو هدیه تهرانی نیستی؟!
- نه! من هدیه به مدرسه ام!
- وای! روبان به سرم! ببخشید هدیه! به قول شاعر: «هرچه را می نگرم عکس رخ یار من است». من هر کادو و هدیه ای می بینم، فکر می کنم کراشم، هدیه تهرانیه!
- راحت باش کادو!
- هدیه به مدرسه! تو هم مثل هدیه تهرانی، بازیگری؟!
- کادو! روبانت گیر کرده به هدیه تهرانی ها! نه من بازیگر نیستم، ولی اونایی که من رواز والدین دانش آموزا به زور می گیرن، خیلی فیلم هستن! والدینی هم که من رو پرداخت می کنن، بازی می خورن، اون مدیرایی هم که می دونن همه مدارس من رو به اجبار می گیرن و همه والدین من رو به ناچار می دن، ولی باز هم انکار می کنن، خودشون کارگردانن!
- هدیه! ولی من شنیدم که گفتن باید هدیه به مدرسه اجباری رو اعلام کنن تا برخورد بشه!
- کادو! منظورشون از اعلام کردن، اعلام هدیه هاست!
- اعلام هدیه چیه دیگه، هدیه؟!
- دیدی توی عروسیا و تولدا آخرش می رسن به مرحله اعلام کادوها؟! مثلاً می گن: «کلید یک واحد آپارتمان از طرف پدر داماد»، «سرویس طلا از طرف مادر عروس»، «یک ساعت دیواری از طرف عمه»!
- آره یادم اومد هدیه!
- حالا هم گفتن هدیه های اجباری رو اعلام کنین تا برخورد بشه، یعنی مدیرای مدارس برن سر صف و مثلاً بگن: «۱۰ میلیون تومان هدیه به مدرسه از طرف بابای قلی پور»، «۲۵ میلیون هدیه به مدرسه از طرف مادر ناصرزاده»، «والدین محبی تبار یک یخچال سایید به دفتر مدرسه هدیه کردن»، «پدر اصغری به جای هدیه، فحش داد»! و بعدش هم به تناسب هدیه با دانش آموزا برخورد محبت آمیز یا غضب آلود بشه!
- آها! فهمیدم قضیه چیه هدیه! حالا با من ازدواج می کنی؟!

صفحه ۲
۱۲ مهر ۱۴۰۴
شماره ۱۶۹

مشه ایچو بره؟!

خسرو آبادیان

شوخی با سفره ممنوع شد!



مهر: عارف: اجازه نمی دهیم با سفره مردم شوخی کنند.

آبان: یکی از خبرنگاران پرسید: ماه قبل که گفتید اجازه شوخی با سفره را نمی دهید، منظورتان فقط سفره معمولی بود یا این سفره پلاستیکی های یک بار مصرف را هم شامل می شود؟ معاون اول رئیس جمهور گفت: با هیچ سفره ای نمی گذاریم شوخی کنند. اگر از روزنامه هم به عنوان سفره استفاده کنید، ما این قدر قاطعیم که با آن هم نمی گذاریم حتی یک شوخی ریز کنند. اصلاً خیالتان را راحت کنم: این قدر روی شوخی با سفره حساسیم که نمی گذاریم حتی با سفره ماهی داخل آکواریوم شما شوخی کنند! ولی اگر با ماهی لجن خوار توی آکواریوم شما شوخی کردند، به ما ربطی ندارد.

آذر: عارف در پاسخ به خبرنگاری که پرسید: «تمهیدات شما برای مقابله با کسی که با سفره مردم شوخی کرده، چیست؟ شکمش را سفره می کنید؟» پاسخ داد: «نه در این حد! ولی مطمئن باشید هر کسی با سفره شما شوخی کرد، ما هم با سفره او شوخی خواهیم کرد.»

دی: عارف در پاسخ به خبرنگاری که پرسید: «شما گفتید نباید با سفره شوخی شود، ولی سفره هر روز کوچک تر از دیروز شده است.» گفت: «اتفاقاً این طوری کوچولو بهتر است. چون وقتی سفره کوچک باشد، زیاد توی چشم نیست و بدون نیاز به دود کردن اسپند، کمتر چشم می خورد. ثانیاً سفره کوچک تر توی دید نیست که کسی بخواد سر شوخی را با آن باز کند.»

اسفند: عارف: «امروز متوجه شدم سفره خیلی از دهک های پایین کمی خالی تر شده است. این یعنی دیگر چیز خاصی توی سفره نیست که کسی بخواد با آن شوخی کند که این اتفاق را به تک تک مسئولان اقتصادی تبریک می گویم.»

تیر ۱۴۰۵: وزیر نیرو گفت: «چون سفره مردم خالی است و وقتی آن را پهن می کنند باد پنکه فرتی آن را برمی دارد و سر شوخی را حتی با سفره خالی باز می کند، از این به بعد موقع ناهار و شام هر دفعه دو ساعت برق را قطع می کنیم تا پنکه دیگر نتواند با سفره مردم عزیزمان از این شوخی های لوس و بی مزه کند.»

مرداد ۱۴۰۵: در قبوض جدید شرکت محترم برق، علاوه بر بندهایی که تاکنون به نام بیمه، اشتراک، سوخت نیروگاهی و ارزش افزوده باعث افزایش مبلغ نهایی قبض مشتریان محترم برق شده، یک بند جدید هم اضافه شده است: بندی به نام «هزینه جلوگیری از شوخی افزوده با سفره!»

کن تو کن

منصوره احمدی

آغازیه کار مجلس شورای اسلامی



آخیش! ولی بیست روز مجلس نبودیم، رشته کار از دستم در رفته ها، کجا بودیم؟

همون جای همیشگی! توی این بیست روز، هر گرم طلا کلا ۲ میلیون، هر دلار هم ۱۵ هزار تومن کشیده بالا به مکانیسم ماشه فعال شده، تورم خوراکی هام که همون ۵۰-۶۰ درصد! همین، دیدی خبر خاصی نبوده؟!

مجلس شورای اسلامی



می گم اون روزی که همتی رو برکنار کردیم، طلا گرمی ۶ تومن بود، الان شده ۱۱ تومن. به خیز برداریم این یکی وزیر اقتصادشون رو هم بدیم بره؟ سه ماهه وزیر، انگار نه انگار.

ایول! چرا به ذهن خودم نرسیده بود؟ پس استیضاحیامون شدن پنج تا، نیرو، رفاه، راه، کشاورزی، اقتصاد، چه خدمتی بکنیم برای این مردم! احسنت به ما، احسنت!

مراسم پرداخت پاداش قهرمانان کشتی آزاد و فرنگی جهانی زاگرب ۲۰۲۵



ها؟ کی خوابیده؟!

می کن اون روز که ما طلا بردیم، دلار ۱۰۵ تومن بود، امروز که دارین جایزه می دین، ۱۱۵ است، خواب این ۲ میلیارد پاداشمون می کنه به عبارتی ۲۳ میلیون، اون رو هم چک بدین!

رونمایی از جدیدترین و درخشانترین شهاب سنگ سیارکی منظومه شمسی در برج آزادی



می گم بد نباشه ما این قدر دستمالی ش کردیم؟ ها؟ واکنشی چیزی نده بعدا؟

وا؟! به سنگه دیگه حالا بین این فیگوره تکراری شد، می رم روی میز بام رو می دارم روش، تو به جوری از نمای پایین عکس بنداز که انگاری من روی ارتفاع گرفتمش، اوکی؟

دولت تماشاچی

دردم از یار است و درمان نیز هم
دل فدای او شد و جان نیز هم
چون سر آمد دولت شب های وصل
بگذرد ایام هجران نیز هم
هر دو عالم یک فروغ روی اوست
گفتمت پیدا و پنهان نیز هم

در بیت اول منظور جناب حافظ از یار همون استقلال تهرانه که در مصرع دوم اشاره به شکست قبلی و شکست اخیر این تیم داره و از قرار معلوم خواجه به شدت استقلالیه!
در بیت دوم جناب لسان الغیب حرف خاصی نداره بزنه، فقط طبق عادت می خواسته حرفی هم از دولت زده باشه، وگرنه خودمون هم می دونیم این هفته دولت هیچ کار خاصی نکرده و فقط تماشاچی ادامه بالارفتن قیمت دلار و طلا بوده!
در بیت سوم جناب خواجه اشاره می کنه به صداوسیما و می گه اون قدر خوبه که هر دو عالم رو داره ساپورت می کنه؛ هم با برنامه های جذاب این دنیا رو مفرح کرده، هم آمادگی برای اون عالم ایجاد کرده! پس اینکه رئیسش می گه بودجه ش کمه، گوش کنین!



در حاشیه نتیجه نگرفتن این فصل دو تیم پایتخت



صفحه ۲
۱۴ مهر ۱۴۰۴
شماره ۱۴۹

اختلاف ۴۰۰ درصدی قیمت برنج کالاها از منزرعه تا بازار

نرخ میوه رفته بالا آن قدر
گوییا آورده اندش از قطر
از چه کودی استفاده کرده اند
رشد کرده در مغازه بیشتر!

نقش مؤثر فناوری های روز در نتایج تیم ملی کشتی

کشتی ما شد برنده در فینال
با خود آورده کنون چندین مدال
چت جی پی تی، واقعا گل کاشتی
شیر مادر، نان بابایت حلال!

رشد ۴۷۸ درصدی قیمت ماشین لباسشویی در کمتر از ۹ ماه

بی لרزش و هرگونه تکان، محکم شست
پاکیزه و با حوصله و کم کم شست
ماشین لباسشویی ما امروز
همراه لباس، جیب ما را هم شست

احتمال تکرار خاموشی ها و مازوت سوزی در زمستان

هرچند که آب، پشت سدکم داریم
عادت داریم، ما کجا غم داریم؟
از لطف مدیران توانمند امسال
خاموشی برق و گاز با هم داریم

قلمه
ghalame.ir

یازدهمین رویداد ملی آموزشی طنز قلمه
ویژه استان خراسان رضوی

عناوین و مدرسان رویداد
داستان نویسی طنز / شعر طنز / نثر طنز /
استدلال کمدی / ایده های و خلاقیت / کاریکاتور و کارتون / پادکست طنز و فن بیان

دکتر عبدالعلی میری	دکتر آیدین	رضا ساکنی	محمد حسینی	پژمان قاسمی
پرواز دانشگر	محمود طرزی	مهدی فریدانفر	حسن فرامانی	پیمان یاروند

این کارگاه ها استعدادیابی - آموزشی است!

زمان برگزاری: ۱۲ تا ۱۸ مهرماه ۱۴۰۴ - مشهد

ثبت نام و کسب آگاهی بیشتر در: www.ghalame.ir

بارورسازی ابرها توسط وزارت نیرو در حاشیه اعلام برنامه برای کومولو نیمبوس! کجایی؟

در حالی که خبر از پاییز خشک پیش رو می آید، وزیر نیرو گفته است بارورسازی ابرها در دنیا سابقه دارد، اما در کشور ما چیز جدیدی است و امیدواریم در آبان و آذر مردم آثار آن را ببینند. از سوی دیگر، سخنگوی صنعت آب هم گفته است برای بارورسازی، منتظر آمدن ابرها هستیم. بد نیست نگاهی به دفتر خاطرات مدیر مسئول بارورسازی ابرهای کومولو نیمبوس بیندازیم تا بفهمیم چی به چی است.

شنبه چت پی پی

امروز بخشنامه آمد که باید ابرها را بارور کنیم. کار جدیدی است که قرار است امسال انجام دهیم. با اینکه سمت شغلی من در اداره، مسئول بررسی رویکرد رسانه ها به خشک سالی و جلوگیری از نشر اکاذیب آبی و تزریق امید به جامعه برای ترسالی است، ولی با حفظ سمت برایم حکم مدیریت بارورسازی ابرها را هم زدند. بروم از چت جی پی تی بپرسم که اصلا جریان چی هست.

یکشنبه ریخ از یک لکه مه

آقای دکتر دستور دادند که هرچه زودتر ابرها را بارور کنیم تا پاییز خشکی نداشته باشیم. طبق بررسی های کارشناسانه ام متوجه شدم که برای بارورسازی ابرها باید آبرری وجود داشته باشد. در حالی که هرچه از بالای پشت بام به آسمان نگاه می کنم، حتی از یک لکه مه هم خبری نیست.

دوشنبه بارورسازی باروتند

امروز آقای وزیر در کنفرانس خبری گفته است که آبان و آذر نتیجه بارورسازی ابرها را خواهیم دید. ولی هنوز من یک تکه ابر کوچولو هم به دستم نرسیده است تا بارورش کنم. باید صبر کنیم که سروکله شان پیدا شود. طبق مطالعات گسترده من، از لحظه بارور شدن ابرها تا باریدن باران زمان می برد. حالا شاید آقای وزیر منظورش این است که بلافاصله پس از بارور کردن، سزارینشان کنیم که زودتر به نتیجه برسیم.

سه شنبه خیریت پورچی

گویا خبر به ابرها رسیده است و از ترس بارور شدن



کارتون: محمد علی رحیمی

شدید و سیل می رود. قهر کرد. مجبور شدم یک ویلا در شهر برایش بخرم تا احساس کمبود نکند.

چهارشنبه پست های تان زیباست

این طرف ها پیدا نمی شوند. مقدار زیادی ابر دور قله دماوند رصد شد. خواستیم برویم همان جا بارورشان کنیم. ولی متأسفانه بودجه نداشتیم تا بالگرد بگیریم. کنسل شد. لابد مصلحتی بوده است. شاید ابرهایش عقیم بوده اند و این طوری خیریتی بوده است که نتوانستیم برویم سر قله.

پنجشنبه گل پسر بابا

آخر شب به هر مصیبتی بود. چند تکه پاره ابر بالای اداره پیدا کردم. دستگاه بارورسازی را آوردیم و سرانجام عملیات را با موفقیت انجام دادیم. در گروه زدم که دعا کنند عمل با موفقیت انجام شده باشد. همه که استیکر و گیف بسیار عالی و روز خوبی داشته باشید و بیگلایک و شنبه تان سراسر شادی فرستادند. حالا ببینیم چه می شود.

شنبه هیچی به هیچی

خبری نشد. گویا آن چیزهایی که بارور کرده بودیم، دود و آلودگی بوده است. زحمات بودجه و انرژی و امیدمان هم دود شد رفت هوا. حالا باز باید صبر کنیم تا ابر پیدا کنیم. واقعا کار سختی داریم. یک نامه تشویق و درخواست پاداش برای خودم زدم که خستگی ام دربرود.

صفحه ۴
۱۲ مهر ۱۴۰۴
شماره ۱۴۹

منابع امتحانی را بشناسید

در بیشتر مواقع، دانشجوی ایرانی کتاب را در طول ترم همچون شیئی زینتی حفاظت می کند. تا شب امتحان که ناگاه به خودش می آید و می بیند دل غافل! من دانشجو بودم، نه نگهبان موزه کتاب های دانشگاه!

جزوه های تان را کامل کنید

اگر در طول ترم به فکر نوشتن جزوه خودتان نباشید، اوضاع کمی بغرنج می شود، به طوری که جزوه یکی از دانشجویان در شب امتحان چنان ارزشمند می شود که صاحب آن برای ساعتی امانت دادن، ضمانت ملکی و سفته مطالبه می کند.

حافظه تان را دست کم نگیرید

حافظه دانشجو یان قدرتی شگفت انگیز دارد. آن ها قادرند در سه ساعت، یک فصل کامل را به حافظه بسپارند، اما بیست دقیقه پس از خروج از جلسه، حتی نام کتاب را نیز به یاد نمی آورند.

۶ راز برای موفقیت تحصیلی



فرزانه زینبلی

از شله خوری با فردوسی تا نقاشی روی نقش رستم

آمار عجیب از بودجه میراث فرهنگی کشور؛ به ازای هر بنای تاریخی ۱۰۰ هزار تومان اعتبار



هفته گذشته در تلویزیون، یک مدیر میراث فرهنگی و گردشگری اعلام کرد به ازای هر بنای تاریخی در کشور، حدود ۱۰۰ هزار تومان اعتبار داریم که گاهی مجبور می شویم از بودجه بعضی جاها بزنیم و خرج جاهای دیگر کنیم. اینکه ماشالا هزار ماشالا بنای تاریخی زیاد داریم در مملکت، دلیل نمی شود که بودجه اش هم این قدر کم باشد. نشستیم حساب کردیم که با این پول برای آثار تاریخی کشور چه کارهایی می شود کرد.

واگذاری شور

یکی از راه های معمول در نگهداری از بناهای تاریخی، واسپاری آن ها به بخش خصوصی است؛ به این صورت که با آن ۱۰۰ هزار تومان یک آگهی در سایت دیوار سنجاق کنند و مثلاً بنویسند «یک کاخ ۲ هکتاری در محدوده فلان شهر، ویو ابیدی، با ده ها اتاق آینه کاری و چندین سرویس بهداشتی و حمام و کلیه لوازم، به مدت یک سال برای برگزاری مراسم اجاره داده می شود». در آن صورت وقتی پیمانکار آنجا را اجاره کرد، هم یک باری از روی دوش میراث فرهنگی برداشته می شود و هم درآمدزایی است. مثلاً می توان داخل باغ آرامگاه فردوسی یک شله کده سنتی زد تا هم از بنا حفاظت شود و هم مسافران با این غذای اصیل مشهدی آشنا شوند.

نصب سطل آشغال

یکی از کمبود های بناهای تاریخی کشور، نبود سطل زباله است. مثلاً بازدیدکننده در عالی قاپوی اصفهان نمی داند که پوست پفک یا بطری خالی دوغش را کجا بیندازد و مجبور می شود آن رالای در زهای بنا قرار دهد. یا گردشگران بازار وکیل شیراز کجا باید کاسه فالوده و لیوان شربت نسترنشان را بیندازند؟ با این بودجه می توان برای هر مکان یک سطل آشغال خرید تا از نظافت آنجا حفاظت شود.

یک کاسه کردن

یک راه دیگر این است که بودجه همه مکان های تاریخی کشور را جمع کنیم و بدهیم به یک مکان. از قدیم گفته اند «یک ده آباد بهتر از صد شهر خراب». مثلاً همه بودجه را بدهند به تخت جمشید تا برایش سقف بگذارند که از باد و باران نیابد گزند. یا همه پول ها را یک کاسه کنند و بقیه بنای امیرچخماق یزد را تکمیل کنند تا مسافران فقط برای دیدن یک دیوار خالی به آنجا نروند و بقیه هم داشته باشد.

جمع آوری ضایعات

راه دیگری که به ذهن بیمارمان... بیخشید، به فکر خلاقمان می رسد، این است که با همان پول، امکانات رفاهی آثار باستانی را تکمیل کنند. مثلاً ۱۰۰ تومان را بدهند چند متر طناب بخرند و دور بیستون بکشند تا بازدیدکننده برای دیدن کوه هم بلیت بدهد. یا کیسه پلاستیکی بخرند و به هر بازدیدکننده سی و سه پل بدهند تا برود کف زاینده رود و زباله ها را جمع کند و بعد بدهند به بازیافت و درآمدزایی هم بشود.

بان من خراب کن

و در آخر می شود آن ۱۰۰ تومان را خرد کرد و دم در بناهای باستانی به هر بازدیدکننده یک اسکناس بدهند و قسمش بدهند که مواظب بنا باشد. شاید این طوری وجدان بعضی ها تکان بخورد تا روی نقش رستم اسمشان را ننویسند و آجرهای قلعه رودخان را یادگاری برندارند و گل های کاخ گلستان را برای قلمه زدن از ریشه دریاورند و پای درختان بلوط هیرکانی آتش کباب روشن نکنند.

صفحه ۵
۱۴ مهر ۱۴۰۴
شماره ۱۴۹

باهوش باشید

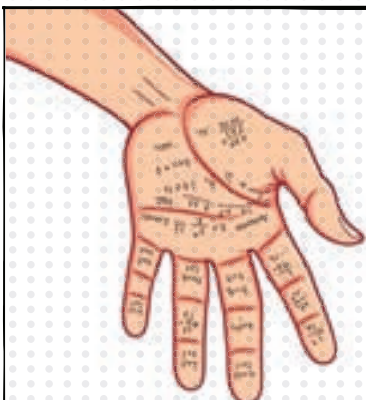
زمانه عوض شده است. اگر خدای نکرده قرار است سراغ تقلب بروید، شیوه های جدیدش را یاد بگیرید! از کف دست یادداشت کردن گرفته تا کدگذاری با سرفه و عطسه، راهکارهای جدیدی است که اگر در اختراعات علمی به کار می رفت، اکنون کرات دیگر را در نور دیده بودیم!

دعا کنید

در ایام امتحانات، حجم دعاها بیشتر می شود. دانشجو با همان جدیتی که پیش تر درس نخوانده است، اکنون در نیایش می کوشد. فقط حواستان باشد از جان و دل کمک بخواهید؛ راه دوری نمی رود!

برنامه ریزی کنید

آخرین جلسه امتحان همواره با وعده «از ترم بعد جدی می خوانم» پایان می یابد؛ وعده ای که عمری کوتاه تر از عمر یک گل دارد. این بار که گذشت، اما شما را جان عزیزانتان، همین اول ترمی برای امتحانات بعدی دست از سر قهوه ساز و نامه نوشتن پای برگه امتحانی بردارید!



برای جلوگیری از طرح استیضاح، وزیر کار کلید خورد در روزی مجلس را

مربی آفریقایی

دوومیدانی ایران
تأخرانی در مسابقات جهانی
سابقه دو پینگ دارد
پند هم

کمیته فرهنگ روبرویی:

صورت افراد
بلعیدن فرهنگ

و فردیت با ماچا

و لب و لسان

پرتف، نسانه
صمیمیت نیست

طالبان:

قطعی اینترنت در افغانستان به خاطر ارتقای

دانشمان است که فحشیدیم دلمه قطع اینترنت کدام
فیبر نوری است

نماینده مجلس:

تعطیلی پنجشنبه‌ها زودتر در مجلس تصویب شود

چون آخرین هفته شهرستان برنامه داریم

جیلی:

بودجه صداوسیما برای اینکه برویم
کافی نیست

نت، فیلم‌های باحال و جدید و سخن برای مردم دانلود کنیم، جورابو

سایپینتو:

مقابل الوصل تا گل
چهارم بازی را در

اختیار داشتیم

سه صل بعد هم
بھسون نفتیم فودتون
صاحب اختیارین

وزیر بهداشت:

گرانی درمان

در بخش دولتی

تا وقتی هنوز دم در
بیمارستان و رفتید داخل
واقعیت خارجی ندارد

پیرکه

آرش آریایی

در حاشیه گرانی برنج و کمبود آن در بازار



صفحه ۶
۱۲ مهر ۱۴۰۴
شماره ۱۴۹

ناسوس

فرشته شایان

نماینده مجلس: با سرفه طرف مقابل، به صورت حباب و غیر واقعی، قیمت طلا و ارز بالا می رود. (عصرایران)



الان رو نگاه نکنین پسا ماشه ست، همه چی این قدر راحت شده. زمان ما رسما باید می مردی تا کار درمی اومد. فکر کردین اون همه اضافه کاری ای من در دوران ریاست جمهوری برای دل خودم بود؟ به هر حال کنترل بازار ارز ایران تخصص و مهارت ویژه ای می خواد. فقط نگفتین سرفه به صورت حباب و غیر واقعی چطوریه دقیقا؟



بایدن

بهترین دفاع حمله ست. همون طور که اونا طرف مقابل ما هستن، ما هم طرف مقابل اونا محسوب می شیم. پس ما هم بایه سرفه می تونیم قیمت ریال رو توی مملکتشون ناتراز کنیم و به خاک سیاه بنشونیمشون. فقط باید شیش دنگ زیر ساختار و بیاییم، مبادا قطعی اینترنت مکزیکی، کانال تلگرامی تعیین نرخ ریال ما توی آمریکا رو بخوابونه و قضیه سه شه. حالا ایشالا از بارور سازی ابراکه فارغ شدیم، می ریم توی کار این یکی.



سخنگوی دولت

بفرما! نگفتم آفتاب پشت ابر نمی مونه؟ دیدین من مسئول نرخ ارز و تورم نیستم جاجوها؟ همون طور که سرکار خانوم قبلا فرمودن، پیش بینی ما سرفه های بسیار شدید تر طرف مقابل توی مایه های ذات الریه و سینه پهلو بود. انصافا ۱۱۶ هزار تومن هم شد قیمت؟!



وزیر اقتصاد



زندان یو آل!

د هن لق هم هستی، زبون باز هم هستی، دست و پاتم دست خودت نیست، پس توی یه چهار چوبی باشی، به نفع همه ست.» زندانبان گفت: «تازه چشمتم در اختیار خودت نیست! چشمت دنبال مال و منال بقیه ست!» ترامپ گفت: «من معمولاً به دنبال معامله برد-بردم. مثلاً اسم خلیج فارس تون رو بذارین خلیج همیشه آمریکا؛ شاید حتی اگه میثاقی اجازه بده، آبش رو با تانکر برداشتیم، بردیم آمریکا! هر مز رو هم می بریم، خاکای رنگی داره. باژن، پسر کوچیکم، دوست داره! چکش رو بنویسم؟! اصلاً می خوانین شما هم بیاین سمت ما؟! زندانبان گفت: «نه، ما که جامون خوبه. تازه آب و خاک ما پیش خودمون باشه، جاش امن تره.» ترامپ گفت: «آخه جای چه امنی؟! همه ش جنگ و درگیری. حداقل به معاهده ابراهیم پیوندین که یه چیزی کاسب بشین و بزرگ بشین!» زندانبان گفت: «همین که شما عظمت رو به آمریکا برگردوندی، بسه! آمریکا رو خوب جلو همه کوچیک کردی!» ترامپ گفت: «نه، اینا بخشی از هنر معامله گریه! من می خوام صلح رو به ارمغان بیارم!» زندانبان گفت: «صلح برای دنیا یا برای خودت؟! ترامپ گفت: «جایزه صلح نوبل برای خودم دیگه! من و تو هم بهتره صلح کنیم و در رو باز کنی، من پیام بیرون!» زندانبان گفت: «بیای بیرون که من رو بندازی اون تو؟! نه، همون جا زندانی رسانه ها باش تازرت دولت بدمد!»

زندانبان که خوابیدند، آمد جلو و سرش را از لای میله ها آورد بیرون تا بتواند راحت تر با زندانبان صحبت کند. زندانبان با تعجب گفت: «چه جوری کله ت رو از بین میله ها رد کردی؟! گفت: «کار نشد نداره! من پول دادم، سلول وی آی پی با بسته طلایی گرفتم که میله هاش رو یه کم با فاصله بیشتری جوش دادن! باید «هنر معامله» رو بلد باشی!» زندانبان گفت: «خله، پول بسته طلایی رو ازت گرفتن، بسته برنزی بهت انداختن! بسته طلایی اصلاً میله نداره، یوآله و صبحانه بوفه داره!» با عصبانیت گفت: «!... برای برند ترر رامپ اصلاً خوب نیست این جوری سرش کلاه بره!» زندانبان با تعجب پرسید: «تو ترامپی؟! گفت: «ترامپ نه، ترر رامپ! از وقتی من رو گرفتن، زبونم می گیره! البته قبلش هم چنین زبونی نبود که دست خودم باشه!» زندانبان گفت: «ما گرفتیمت؟! من فکر کردم تو با حرفات ما رو گرفتی! ما رو که چه عرض کنم، ایستگاه کل دنیا رو گرفتی، همه می خوان دنیا و ایسته، پیاده شن!» ترامپ گفت: «البته من خودم استاد پیاده گردنم! هر کشوری برم، به محض پیاده شدن از هواپیما پیاده شون می کنم. قطر، عربستان و... همین شماها رو فقط نتونستم پیاده کنم! تازه ما رو با زندان وی آی پی تون پیاده کردن!» زندانبان گفت: «خب چی شد که گرفتنت؟! ترامپ گفت: «هیچی، گرفتن حرف مفت زیاد می زنی،

صفحه ۷
۱۴ مهر ۱۴۰۴
شماره ۱۴۹

ایجو، مگفتن مهدی محمدی

سخنگوی دولت:

امروز دلار ۱۱۲ هزار تومان شد، درحالی که پیش بینی بسیار بالاتر بود.

(۶ مهر / عصر ایران)



مری تیم ملی شنا:
امروز تیم شنای
ما آخر شد،
درحالی که
پیش بینی
ما غرق شدن
همگی شان بود.

رئیس سازمان
محیط زیست:
فقط دریاچه
ارومیه کامل
خشک شد،
درحالی که
پیش بینی ما
خشکی کامل
دریای خزر بود.

رئیس یک بانک:
فقط همه
پول های داخل
گاوصندوق
اختلاس شد،
درحالی که
پیش بینی ما
بردن لیوان های
یک بار مصرف
کنار آب سرد کن
هم بود.

دروازه بان استقلال:
فقط هفت
گل خوردیم،
درحالی که
پیش بینی
ما یک عدد
دورقمی بود.

وزیر نیرو:
تابستان امسال
فقط یکی دو
نماینده علیه
من نطق کردند،
درحالی که
پیش بینی من
استیضاح با
۲۹۰ رأی موافق
بود.

می بینم که سه ماهه دارین توی مترو و اتوبوس و خیابونای خلوت واسه خودتون می گازین و شهر زیادی کویته! دیگه وقتشه با شروع سال تحصیلی، یه کم جمع و جورتر بشینین. چون دانش آموزا هم به مسافرای ناوگان حمل و نقل عمومی اضافه شدن. باشد که شما هم قدر عافیت بدونین! ولی زیادی غصه نخورین، سختی ش همین نه ماه اولشه!

ماهی مرده در مترو!



«چت جی پی تی» یک مسئله ریاضی
۲۰۰۰ ساله را حل کرد

آرزوهای بزرگ

سال ها دل طلب خانه و ویلا می کرد
طلب خانه و ویلا لب دریا می کرد
سال ها یا هوس چنجه و ششلیکش بود
یا ویا ر پلو و مرغ و مسما می کرد
فکر یک خودرو ایمن به سرش بود مدام
شکوه ازگاری بی ارزش سایپا می کرد!
پشت فرمان هیوندای خودش را می دید
هوس بنز و بوگاتی و تویوتا می کرد
داشت امید، سفرهای فراوان برود
دائما صحبت لاتاری و ویزا می کرد
«شاه شمشادقدان، خسرو شیرین دهنان»
این چنین دلبری از دهر تقاضا می کرد
چند وقتی به سرش زد که بلاگر بشود
بهر بی شرمی خود لایک تمنا می کرد
تا به این ها برسد طفلکی از شب تا صبح
می دوید و همه سان جهد و تقلا می کرد
هر دری زد نشد آخر به مرادش برسد
گرچه هر روز به لب ذکر خدایا می کرد
مشکل خویش بر «چت جی پی تی» بردم دوش
«کو به تأیید نظر حل معما می کرد»
گفتمش من چه کنم دل به مرادش برسد؟
گفت آن کن که فلانی به فلان جا می کرد!
همره سلسله اهل سیاست می رفت
خویش را بین بزرگان و سران جا می کرد
پاچه خواری هنرش بود و به هنگام نیاز
کمرش را صد و هجده درجه تا می کرد!
هر طرف باد وزان بود بدان سو می رفت
هر چه را لازم اگر بود مهیا می کرد
تا خرش رد شود از هر پل ممنوعه و تنگ
سکه ها بود که هر مرحله اهدا می کرد
تا که کم کم خودش از جنس بزرگان گردید
هر چه می خواست به یک ثانیه اجرا می کرد
تا خریدی بکند سوی اروپا می رفت
«آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می کرد»
چون که شد تکیه گاهش محکم و ایمن، پس از آن
روی کرسی خودش یکسره لالا می کرد!

الهی!
تو را شکر می گوئیم که تاج عزت بر سرمان نهاده
و اجازه می دهی بدون ویزا به بازگشت رفت و آمد
کنیم.

پلخمون

ضمیمه طنز و کاریکاتور روزنامه شهر آرا
صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
مدیر مسئول: سیدمیشم موسوی مهر
سردبیر: سیدسجاد طلوع هاشمی
دبیر ضمیمه: ارزنگ حاتمی
دبیر پلخمون: مجتبی نخعی راد
صفحه آرایی: ساعد عاشوری

پیمانه: ۳۰۰۷۲۸۹
دریافت نسخه الکترونیک از: shahraraneews.ir